

پنجمین شماره ماهانه دانشجویی علمی _ فرهنگی
پردیس شهید رجایی ارومیه

خط محوّل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پیامبر صلی الله علیه و آله :
أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلَّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَ
بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛

وقتی معلم به کودک بگوید: بگو بسم الله الرحمن الرحيم
و کودک آن را تکرار کند خداوند برای کودک و پدر و
مادرش و معلم، براءت از آتش در نظر خواهد گرفت

خط تحول

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: کامیل واحدیان

سردبیر: مهدی محمدیان

هیئت تحریریه: فاطمه نوروزی، فاطمه سلطانی، فاطمه دادگراصل، فاطمه عظیمی آذر

ویراستار: مهدی احمدی

صفحه آرا: ابوالفضل غفوری

زمینه انتشار ماهانه: علمی فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱

شماره پنجم

راه ارتباط: ایتا mehdi_mohammadian

فهرست مطالب:

۱. عدالت آموشی

۲. دانشگاه فرهنگیان برای معلم شدن کفایت می کند.....

۳. معلم خلاق

۴. آموزش و پرورش نوین

عدالت آموزشی چیست؟

فاطمه نوروزی



اساس نظریه‌های رفتارگرایی و شناخت‌گرایی بوده، در بر می‌گیرند. این رویکرد در واقع زیربنای رویکرد واقع‌گرا هستند. در تقابل با این دیدگاه و در آن روی طیف، سازنده‌گرایی قرار دارد که فرض اساسی و بنیادی آن این است که دانش به‌طور مستقل از یادگیرنده وجود ندارد، بلکه ماهیتی بنا شدنی دارد. در واقع، عدالت آموزشی به مهیاسازی فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد، اشاره دارد، زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی‌شان با هم متفاوت هستند. منظور از فرصت برابر، جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی است.

عدالت آموزشی دارای ابعاد مهم و اساسی است که بدون توجه به آن، آموزش و پرورش که خود عاملی مهم در ایجاد و بسط عدالت در جامعه می‌باشد، به مانعی بزرگ در رشد و شکوفایی افراد و تعالی و پیشرفت جامعه تبدیل می‌گردد.

یکی از زوایای مغفول عدالت آموزشی، عدم توجه کافی سیاست‌گذاران و مجریان آموزشی در سطوح

عدالت و تحقق آن همواره یکی از اصلی‌ترین شعارها در عرصه آموزش است. ایده‌پردازی درباره عدالت، یک سنت دیرپاست که می‌تواند به درک مشتقات مفهومی عدالت، همچون عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی، عدالت نژادی، عدالت توزیعی و غیره کمک کند. لذا تبیین عدالت تربیتی نیز، چون دیگر راه‌ها در گرو ملاحظات است که به ارجمندی عدالت مربوط می‌شوند و به برداشت‌های ما از نسبت عدالت با مطلوبیت و همچنین دلایلی که برای اعتبار اصول عدالت ارائه می‌شود، بستگی دارد. مفهوم عدالت آموزشی نیز همواره و در همه اعصار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. آنان در طول زمان‌های گوناگون تلاش کرده‌اند برنامه‌های درسی را به گونه‌ای طراحی کنند که هر چه بیشتر به سمت نظریه‌های یادگیری مبتنی بر عدالت‌محوری سوق یابد. انواع نظریه‌های یادگیری را می‌توان بر مبنای مفروضات فلسفی، در قالب دو رویکرد تقسیم کرد و در طیفی گنجانند که ابتدای آن عینیت‌گرایی و انتهای دیگر آن، رویکرد سازنده‌گرایی قرار می‌گیرد. عینیت‌ها، سال‌ها بر حوزه آموزش و پرورش سیطره داشته‌اند و رویکردهای سنتی به یادگیری و تدریس را که بر

خرد و کلان به استعداد، توانایی، نیازها و علائق فردی دانش‌آموزان است. گاردنر واضح نظریه هوش‌های چندگانه معتقد است، علاوه بر هوش منطقی و کلامی، افراد واجد هوش‌های متفاوت و مستقل دیگری نیز هستند. آیزنر با الهام از این نظریه و دیگر آثار مشابه معتقد است، نظام‌های مبادله معنا که توسط انسان اختراع شده به هیچ وجه محدود به زبان نمی‌باشند. معنا همچنین از طریق قالب‌های بصری که ما آنها را هنرهای تجسمی می‌نامیم، مانند معماری، نقاشی، طراحی و یا هنرهای نمایشی مانند موسیقی و تئاتر ابراز شده است. آیزنر یکی از دلایل توجه به سیستم‌های مختلف معنایی را دستیابی به عدالت آموزشی می‌داند. بنابراین عدالت آموزشی را نباید تنها در تمهید امکانات دستیابی به تحصیل و مدرسه برای آحاد شهروندان جستجو کرد، بلکه مهم‌تر از آن تدارک دیدن فرصت‌های رشد و یادگیری در زمینه‌هایی است که با استعدادها، علائق و زمینه یادگیری آنها تناسب دارد.

اگر بخواهیم از آسیب‌های وارد شده به مدارس و نظام آموزشی سخن بر میان آوریم، به اطناب می‌انجامد، اما در اشاره‌ای مختصر می‌توان، یکی از

دلایل مهمی که در ایجاد شرایط نابرابر یادگیری نقش حیاتی ایفا کرد را حرکت شتاب‌زده به سوی خصوصی‌سازی آموزش دانست و از عوامل دیگر می‌توان به عدم سیاست‌گذاری مناسب در تربیت و انتخاب و سازماندهی معلمان و همچنین عدم مسئولیت‌پذیری و نبود وجدان کاری برخی معلمان دانست.

تحقق عدالت آموزشی نیاز به ساز و کار درست دارد. باید در توزیع منابع به مدارس، عدالت داشت. برای مثال، برای دادن سرانه آموزشی به مدارس، فقط کمیت دانش‌آموزان را در نظر نگیریم و به شاخص‌های دیگر نیز توجه کنیم، چه بسا مدرسه‌ای در منطقه محروم و مخروبه ولو اینکه تعداد دانش‌آموزان کمتری داشته باشد، نیازمند سرانه بیشتری است.

برای کسب عدالت آموزشی، در متون علمی راهکارهای متفاوتی مطرح شده‌اند. تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی شامل توزیع معلمان باکیفیت و ماهر در مناطق، آگاه‌کردن برنامه‌ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت‌های آموزشی و عدالت آموزشی و حذف کلیشه‌های جنسیتی از برنامه‌های درسی

می‌شود. اولویت دادن به تربیت نیروی انسانی بومی، ایجاد انگیزه در معلمان برای خدمت در مناطق محروم، توزیع متناسب معلمان باکیفیت و ماهر در مناطق، گسترش مدرسه‌های دخترانه سطوح بالاتر در مناطق محروم، افزایش سرانه دانش‌آموزان مناطق محروم، فراهم کردن امکانات برای رفع محرومیت آموزشی نیز از راهکارهای افزایش عدالت آموزشی است و به طور ملی می‌توان در این باب به موارد زیر برای اجرای عدالت آموزشی اشاره کرد:

1. الزامی کردن دوره پیش‌دبستانی در مناطق محروم و دوزبانه به صورت رایگان، برای کاهش فاصله آمادگی دانش‌آموزان برای مدرسه در این مناطق، خصوصاً از منظر تسلط به زبان ملی که لازمه یادگیری و ارتباط با برنامه درسی است.

2. اصلاح سیاست‌های کنونی جذب معلمان در مناطق محروم و کمتر برخوردار و اختصاص مشوق‌های لازم برای به‌کارگیری معلمان آموزش‌دیده و افزایش ظرفیت برای دانش‌آموزان مناطق عشایری و روستایی در دانشگاه فرهنگیان، که باعث ماندگاری معلمان بومی و با انگیزه در این مناطق می‌شود.

3. عزم ملی در تولید «تبلت تخصصی آموزشی»، به‌همراه «سیم کارت اختصاصی دانش‌آموز»، علاوه بر در اختیار قرار دادن هزاران کتاب و منبع آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری، از درگیر شدن دانش‌آموزان و لطمه از آسیب‌های فضای مجازی بدون نظارت جلوگیری می‌نماید.

4. اصلاح سیاست کلایی شدن و خصوصی‌سازی شتاب‌زده آموزش و کاهش طبقه‌بندی دانش‌آموزان و تنوع مدارس.

5. طراحی، تدوین و اجرای برنامه کیفیت‌بخشی به مدارس دولتی، برای ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموزان و مدیران و معلمان زحمتکش این مدارس و رفع دغدغه خانواده‌ها در این خصوص.

6. تامین نیازهای اقتصادی و اجتماعی معلمان تا دبیران به دنبال شغل دوم نباشند و تمام و کمال در راه دبیری تلاش کنند.

فاطمه سلطانی

این سوال شما دقیقا حکم این را دارد که من از شما بپرسم، آیا تنها آب، برای رفع تشنگی کافی است؟ البته که کافی است اما این پاسخ تنها برای موقعی صدق می‌کند، که شما چیز دیگر در دسترس نداشته باشید و آب را غنیمت بشمارید.

ولی اگر در شرایط بهتر قرار گیرید، قطعا گزینه‌های دیگر مثل چای، شربت و یا حتی آبمیوه هم در ذهنتان شکل خواهد گرفت، به همین راحتی!

حال برگردیم به بحث خودمان، دانشگاه فرهنگیان و کفایتش در باب معلمی؛ اگر به عنوان يك شغل به معلمی بنگریم، دانشگاه فرهنگیان و گذراندن واحدهای تعیین شده در آن برای ما بسنده خواهد کرد، چون شغل چیز چندان سختی نیست و تنها دانستن ساعت‌های کار و پر کردن آن‌ها برای يك شاغل مورد نیاز خواهد بود.

ولی اگر از باب يك حرفه به معلمی نگاه کنیم، شاید دانشگاه فرهنگیان کافی کافی هم نباشد؛ حرفه شغلی آمیخته با روح و قلب و جسم است، برای يك حرفه باید بدانی چه خواهی کرد، باید فرا آنچه که دیگران می‌دانند، بدانی و انجام دهی.

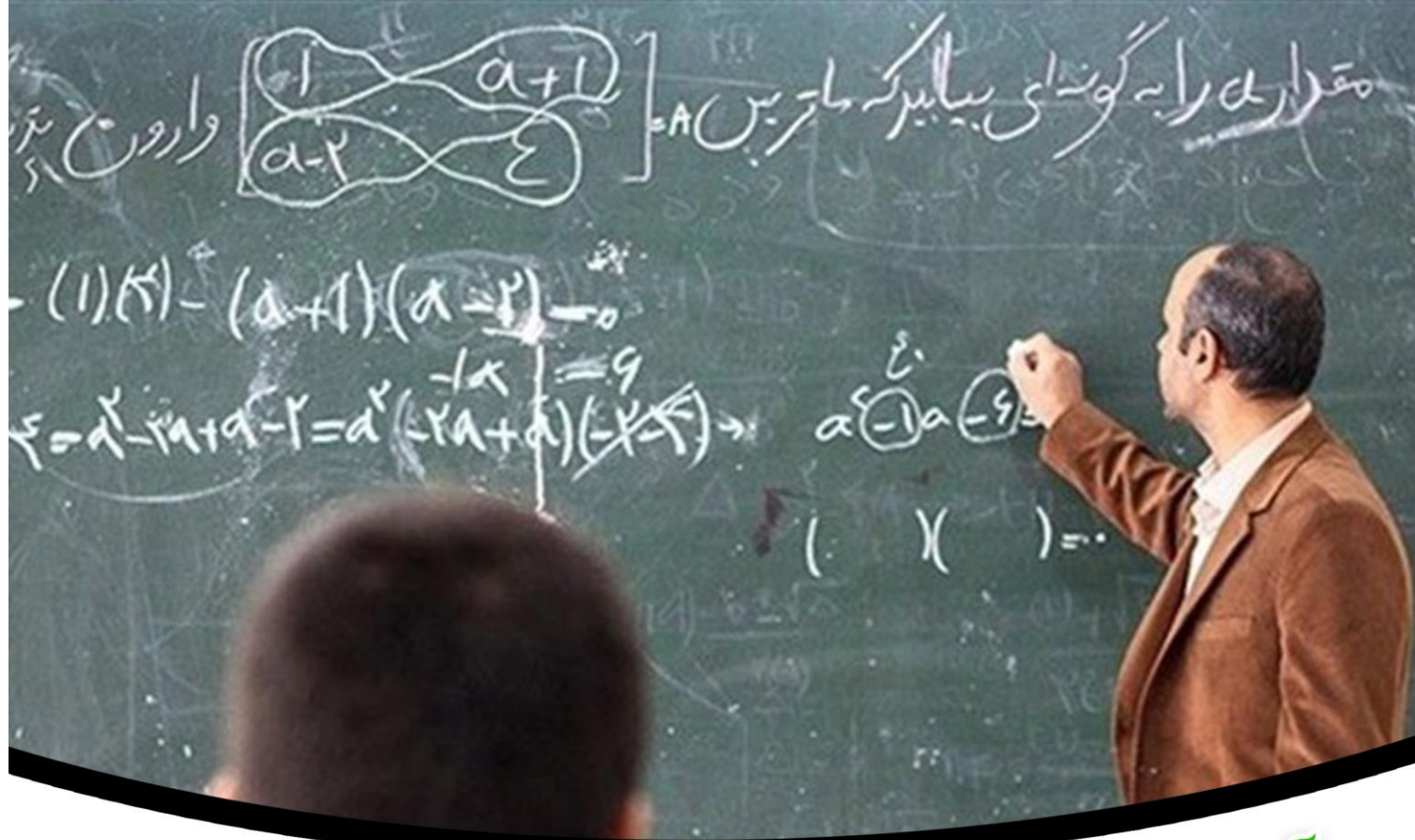
ما در دانشگاه فرهنگیان که قدم گذاشتیم، قصدمان معلم شدن بود و گمان می‌کردیم در آن بسیار تبحر پیدا کرده‌ایم؛ البته این موضوع تا زمانی بود که به کارورزی نرفته بودیم و از سختی کار آگاه نبودیم، با پا گذاشتن به مدرسه نیز دانستیم که تنها، کلاس‌های دانشگاه نمی‌توانند ما را در معلمی ماهر و زبردست شدن یارک دهند. يك معلم حرفه‌ای دارای يك سرک ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد است، که

بسیارک از آن‌ها اکتسابی بوده و با آموزش و تمرین حاصل می‌شوند؛ پس برای تربیت نیروی حرفه‌ای در دانشگاه‌ها واضح است که وجود شرایط و زمینه‌های لازم بسیار حائز اهمیت است، وقتی من معلم، قصد دارم فردی حرفه‌ای در شغل خود بار بیایم و دانشگاه این شرایط را نمی‌تواند در اختیار من قرار دهد، کمی دلسرد می‌شوم.

خب، اکنون کمی جدک‌تر به بحث می‌نگریم، بذر دانشگاه فرهنگیان را شهید رجایی، سال‌ها پیش در خاک این سرزمین نهاد و با عنوان تربیت معلم این بذر جوانه زد؛ ولی متأسفانه در همان مرحله جوانه باقی ماند، گمان می‌کنم به حدک آب و نور به خوردش ندادند تا جان بگیرد و درختی تنومند شود، وگرنه ریشه‌ای که اکنون در این خاک خفته، بسیار کهن و پر قدرت می‌باشد.

بنظر من، وجود دانشگاه فرهنگیان و چهار سال تحصیل در آن هرچند کافی نباشد، ولی لازم





آیا دانشگاه فرهنگیان برای معلم شدن کافیت

است که اکثرشان در زندگی روزمره به کار گرفتنی نیستند، موشکافی نداریم، بحث و بررسی عمیق نداریم، مو را از ماست بیرون نمی کشیم و به عمق جان مباحث نفوذ نمی کنیم و همین است که این دانشگاه مقدس را برای حرفه ای شدن خود، برای شکوفایی خود کافی نمی بینیم

وافی داشته باشد. هم من و هم شما خیلی خوب می دانیم که هدف از گذراندن این واحدها درسی، فقط پاس کردنشان نیست، اما افسوس که تنها تعداد اندکی، این موضوع را می دانند و همین مسئله، خود سنگ بزرگی بر سر راه يك معلمی است که در مسیر حرفه ای شدن قرار گرفته است.

مشکل اساسی ما در دانشگاه فرهنگیان در باب همین واحدها درسی، این

بینش و نگرش يك معلم واقعی را در ما ایجاد کند، آن هنگام برای تبدیل ما به يك معلم حرفه ای، موثر خواهد بود که اساتید باسواد در خود داشته باشند، شرایط و امکانات کافی در خود داشته باشند، تنها زمانی این مرکز آموزشی واقعا ما را آموزش خواهد داد که برای تك به تك کلاسها، واحدها درسی و حتی کتابهایی که ارائه می دهد، برنامه ریزک کافی و

است يك چهارچوب اصلی عمل کند، چهارچوبی که اگر نباشد، کار معلمی و فرایند آن لنگ می ماند، این مکان جوهره اصلی معلمی را به وجود می آورد و آن را طی مدتی معین شکل می دهد، پس اگر نباشد، شغل ما در آینده بی جهت و بدون هدف خواهد بود.

این دانشگاه، آن زمان برای معلم شدن ما دانشجو معلمان به طور حتم، موثر و کافی خواهد بود که دانش،

معلم خلاق چگونه معلمی است؟

فاطمه دادگر اصل

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: (تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد و مغز را فعال کند و در درجه اول شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید.)

زمانی که سخن از خلاقیت و خلاق بودن معلم به میان می‌آید، همه اشخاص به مواردی چون انعطاف پذیری (فی البداهه گویی)، استقبال از ایده‌های جدید نو و داشتن روحیه ابتکاری اشاره می‌کنند. ولی اینکه من معلم، به عنوان عضوی کوچک از خانواده آموزش و پرورش، چگونه می‌توانم این ویژگی‌ها را تقویت کرده و به یک معلم خلاق تبدیل شوم، نیازمند صرف زمان و مطالعه است، و نخست برای تحقق این هدف تعالی نیازمند گام برداشتن در مسیر تدریس خلاق هستم.

عوامل موثر برای تبدیل شدن به معلم خلاق

ویژگی‌های شخصیتی معلم:

شامل سطح اطلاعات، میزان مطالعه در موضوعات جدید و بروز، نحوه برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، قدرت بیان و قدرت انتقال مفاهیم، شخصیت، خلیات و روحیات معلم، انعطاف پذیری، ریسک پذیری، اعتماد به نفس و قدرت تخیل و بینش بالای وی.

عوامل خانوادگی معلم:

معلم باید قدرت مانور و آزمون و خطا داشته باشد و بابت در پیش گرفتن روش‌های جدید و خلاق آموزشی، مورد سرزنش قرار نگیرد.

تجربیات دوران مدرسه:

تجربیات دوران تحصیل و مرور کردن روش‌ها و تعاملات مدرسه‌های مختلف، نقش پر رنگی در خلاقیت و انعطاف پذیری مدرس دارند.

تعامل با سایر معلم‌ها:

برای آگاهی از روش‌های جدید تدریس و گرفتن پیشنهادات، انتقادات و بازخوردها، مدرس باید با همکاران خود در تعامل دائمی و مؤثر باشد.

راهکارهای مؤثری که باید برای

تدریس خلاق بدانید:

برای تبدیل شدن به یک مدرس خلاق، باید با راهکارهای مؤثر تدریس خلاق آشنایی داشته باشید. در این بخش با مهم‌ترین راهکارهایی که برای تدریس خلاق به آن‌ها نیاز خواهید داشت، آشنا می‌شویم.

تدریس دانش‌آموز محور:

با ایجاد بحث‌های گروهی به صورت منظم و هدفمند توسط مدرس و محول کردن پروژه‌های مختلف به دانش‌آموزان، مدرس باید نقشی هدایت‌گر داشته باشد و به دانش‌آموز کمک کند تا مسائل را از دید خودش ببیند، نه از دید معلم.



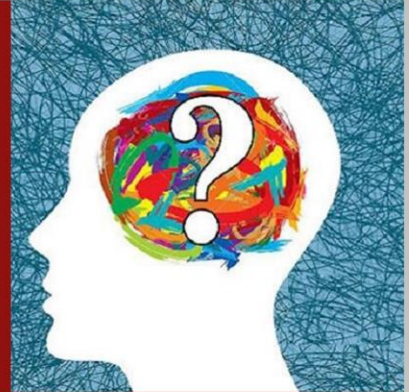
جمع آوری کلکسیونی از ایده های تدریس:



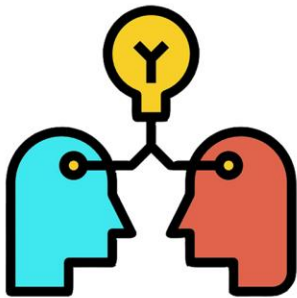
مهم نیست که حتماً ایده‌های جمع‌آوری‌شده را بلافاصله به کار بگیرید. آنچه اهمیت دارد این است که آنها را به‌گونه‌ای جمع آوری و سازمان‌دهی کنید، که در فرصت مقتضی بتوان به‌راحتی از آنها استفاده کرد. همین ایده‌ها هستند که موجب می‌شوند شما در مسیر خلاقیت ثابت‌قدم بمانید؛ به‌ویژه زمانی که خود را با آنها سازگار کرده و آنها را آزمایش کرده باشید.

از میان برداشتن موانع تفکر خلاق:

بسیاری از افراد از وجود استعداد خلاقیت در خود، اطمینان کامل دارند و از دل به دریا زدن هراسی به خود راه نمی‌دهند، اما بسیاری از ما خیلی وقت‌ها احساس می‌کنیم که نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. هیچ یک از افراد استعدادها و توانایی‌های یکسانی ندارند. ولی همه از ظرفیت خلاق بودن بهره‌مند هستند و از این طریق می‌توانند تعدادی از واژگان، اظهارات و گفته‌های خاصی را خلق کنند.



اشتراک گذاری آموخته‌های خود با دیگران:



همه افراد در حرفه خود قادرند چیزهایی را از دیگران بیاموزند؛ و معلمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برای این منظور در روزهای تدریستان در مدرسه، رهبری یک جلسه را پیشنهاد دهید و سپس درباره موضوع فوق تحقیق کنید تا مطمئن شوید، که دانش خود را با همکارانتان به اشتراک گذاشته‌اید. این ایده‌های جدید پل بزرگی است که شما را به سمت تبدیل شدن به یک معلم خلاق سوق می‌دهد.

آزمایش کردن و تأمل در تدریس:

یک راه مطمئن برای این که خود را به عنوان یک معلم به نابودی بکشانیم این است، که خودمان را فقط به ایده‌ها و تکنیک‌های قبلی متکی کرده و برای یافتن ایده جدید، تلاش نکنیم. البته اثربخشی این روش منوط به این است که دانش آموزان خود را نیز در مرحله‌ای از کار، مأیوس کنیم. چه ایده‌های جدید را امتحان می‌کنید و چه خود را با ایده‌های قدیمی وفق می‌دهید، در هر صورت به خاطر داشته باشید که هر از چند گاهی لازم است مکث کرده، درباره تجربه‌های خود فکر کنید و آنها را بعد از انجام، ارزیابی کنید. از موفقیت‌ها و اشتباهات خود درس بگیرید و انجام این فرایند را در تدریس خود به یک عادت تبدیل کنید، تا همواره یک معلم خلاق باشید.



و در آخر اگر می‌خواهید به یک معلم خلاق تبدیل شوید، لازم است به خوبی به دیگران گوش فرادهید و بدانید که دانش آموزان، دوستان و خانواده شما همگی می‌توانند در الهام بخشی به شما موثر باشند.

آموزش و پرورش نوین با توجه به تغییرات جهانی و در عین حال مطابق باور های دینی

فاطمه عظیمی آذر

و اما آموزش و پرورش نوین چیست؟ آموزش و پرورش نوین، به معنای یاد گرفتن در زندگی و نیز فهمیدن جهان در حال تغییری است که در آن زندگی می کنیم .

با توجه به بیان کارشناسان فرهنگی، تربیت دینی صحیح، در این جهان نوین نیازمند به کارگیری شیوه های نوین آموزشی است. آموزش و پرورش نسبت به این موضوع باید اهتمام جدی داشته باشد؛ زیرا سیستم آموزش و پرورش مهم ترین و تاثیر گذارترین نهاد در ارتقای معارف دینی است.

آموزش و پرورش باید با توجه به تحولاتی که اتفاق می افتد، خودش را بروز کند. چون دانش آموزان از این تحولات مستثنی نیستند و به تبع اکثر نسل جوان تفکراتشان متفاوت شده است. پس برای اینکه این معارف به آنها آموخته شود، باید شیوه های نوینی هم متناسب با نیازهای این نسل بکار گرفته شود.

از آنجا که آموزش دینی برای نسل های بعد ضرورت دارد، پس باید گفت شیوه های قدیمی و نامطلوب آموزش و تربیت باید آسیب زدایی شده و شیوه های نوین و کار آمد جای آن ها را بگیرد. شیوه های آموزش دین باید در زمان های مختلف و با توجه به نیازهای آن دوره و شرایطی که وجود دارد، بکار گرفته شود. آموزش و پرورش در تربیت دینی ضعیف عمل کرده است؛ زیرا دانش آموزان کنونی مقداری از دین فاصله گرفته اند و این در آینده، بسیاری از بحران های روحی را در پی خواهد داشت.

اگر دانش آموزان به درستی مورد تربیت دینی قرار بگیرند، نسلی که از این دانش آموزان به بعد هم به وجود

امروزه با پدیده های بسیار پیچیده و تامل برانگیزی به نام پدیده جهانی شدن روبرو شدیم، این پدیده در فرهنگ کشورها و نوع کنش سازمان های مختلف تاثیر بسیار شگرفی گذاشته است.

سوال اینجاست، آیا این پدیده بر روی آموزش و پرورش ما هم تاثیر گذاشته است یا نه ؟ آموزش و پرورش در برخورد با این پدیده چه واکنشی نشان داده است؟ چه اقدامی باید انجام داد تا در آموزش، در عین حال که از روش های نوین جهانی بهره گرفته می شود مطابق باورهای دینی هم باشد؟

پدیده جهانی شدن، بر روی دانش آموزان که عنصر کلیدی جامعه و آموزش و پرورش را تشکیل

می دهند تاثیر زیادی گذاشته است. پدیده جهانی شدن به گونه ای است که فرهنگ ها را در هم می تند. این پدیده می تواند بر رابطه بین معلم و دانش آموز و رابطه دانش آموز و مدرسه و... تاثیر گذار باشد. بنابراین آموزش و پرورش ما باید، با موضوع جهانی شدن به صورت خیلی محتاطانه برخورد کند. چون همانطور که اشاره کردیم، این پدیده فرهنگ ها را در هم تنیده می کند و از عناصر مهم فرهنگی، عنصر دینی است و برای حفظ باورهای دینی خود نمی توانیم در مورد چنین مقوله مهمی محتاط نباشیم.

سیستم آموزش و پرورش، در فرآیند تحولات جهانی باید زره فولادین خود را به تن کند تا هم در مقابل آسیبی که فرآیند جهانی شدن در روی دانش آموزان می گذارد، ایستادگی کند و هم از باورهای دینی خودش دفاع کند و به صورت پاسخ بر آنها پایبند باشد.

می آید نسل موفق‌تری خواهند شد؛ پس این موضوع دین موضوع بسیار حساسی است.

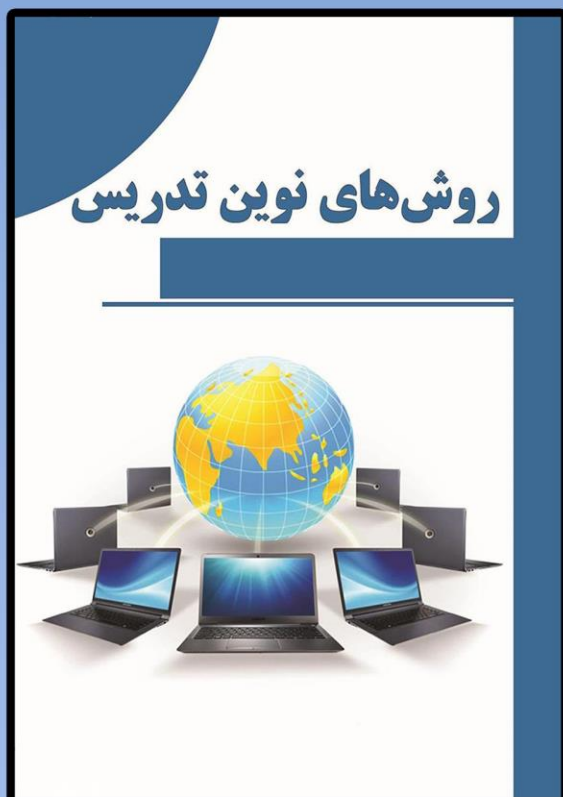
آموزش و پرورش مدت طولانی‌ای است، که به مقوله آموزش نسبت به موضوع تربیت و پرورش توجه بیشتری نشان داده است. در حالی که موضوع تربیت و پرورش، مخصوصاً تربیت دینی و اخلاقی مقوله مهمی است که نمی‌توان به این سادگی از آن عبور کرد. باید این نکته مهم را متذکر شویم که باورهای اخلاقی و دینی انسان‌ها، روی آینده و زندگی حال آنها تاثیر شگرفی می‌گذارد. تعلیم و تربیت کنار هم آمده است، نمی‌توان به یکی بیشتر از دیگری توجه کرد، باید بگوییم که امر تربیت یک امری است که مدت زمان زیادی را می‌طلبد تا تاثیر خود را بگذارد.

حال وظیفه مربی نسبت به متربی در این زمینه چیست؟ مربیان و معلمان باید با دانش‌آموزان ارتباط سازنده‌ای برقرار کنند. همیشه دانش‌آموزان و کودکان به دنبال الگویی برای خود می‌گردند که مطابق رفتار و منش او رفتار کنند؛ پس چه کسی بهتر از معلمان، که با رفتار خودشان بتوانند تاثیری بر روی دانش‌آموزان بگذارند که به نفع آینده آنها باشد. معلمان باید چنان الگویی باشند که دانش‌آموزان به یک باور دینی عمیق برسند و این را در رفتارشان به صورت عملی نشان بدهند.

حال سیستم آموزش و پرورش، برای اینکه بتواند این روش مهم را پیاده بسازد، نه تنها باید نگاه خود را نسبت به دانش‌آموزان کنونی تغییر دهد و تعامل نوینی با آنها داشته باشد، بلکه تعاملی هم باید با خانواده‌ها داشته باشد؛

چون رابطه‌ای که خانواده و معلم و دانش‌آموز دارد، جزء روابط مهمی در اجتماع است که نمی‌توان از تاثیر و ارتباط متقابلی که این چرخه روی هم می‌گذارند، غافل شد.

پس با توجه به گفته‌های فوق، می‌توانیم بگوییم که آموزش و پرورش، با اتخاذ تصمیمات مناسب می‌تواند به خوبی در راستای پیشرفت دانش‌آموزان و اهتمام آنها به دین قدم بردارد. البته اگر این تصمیمات مطابق با آموزه‌های قرآنی باشد، بهتر تاثیر خود را می‌گذارد؛ زیرا آموزه‌های دینی بهترین راه حل را جلوی افراد می‌گذارد که سالیان سال هم کاربرد خواهد داشت.



از تمام دوستان تقاضا داریم که نظرات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارند



راه ارتباط با ما: ایتا mehdi_mohammadian



اسفند ۱۴۰۲